

نقش سردار قاسم سلیمانی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا

مهدی حسنی باقری^۱

میثم رضازاده^۲

احمدرضا محمدی سلیمانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

DOI: 10.22034/wasj.2023.421063.1015

چکیده

قدرت نرم به مثابه یکی از ارکان سیاست بین الملل در عصر حاضر جایگاه رفیعی یافته است؛ علت آن را می توان در کارآمدی و موفقیت قدرت نرم نسبت به اشکال کلاسیک قدرت (قدرت سخت) جستجو کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر واحدهای سیاسی، نیازمند بازشناسی، تقویت و کاربست قدرت نرم است تا به این وسیله توان قدرت نرم ملی خویش را در سیاست بین الملل و مخصوصاً منطقه غرب آسیا ارتقاء بخشد. در این میان نقش سردار حاج قاسم سلیمانی به عنوان یک گفتمان مردم گرایانه و اندیشه های مبارزه طلبانه در راستای کانونی سازی فرهنگ شهادت و برجسته سازی قدرت نرم علیه نابسامانی های سیاسی و نظامی موجود در غرب آسیا در پیوند با تروریسم حائز اهمیت است، در همین راستا این مقاله درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به صورت کتابخانه ای و از روش تکنیک فیش برداری از اسناد و مدارک علمی، با بهره گیری از نظریه قدرت نرم به این پرسش اساسی پاسخ دهد که سردار حاج قاسم سلیمانی چه نقشی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) دارد؟ بنابراین جامعه آماری با توجه به سطح مدیریتی سردار حاج قاسم سلیمانی، منطقه ای و فرمانطقه ای است؛ با این هدف که نشان دهد مکتب حاج قاسم سلیمانی در ابعاد مدیریتی-فرماندهی و نظامی، طبق منابع و عناصر قدرت نرم، تاثیرگذاری عمیقی در ارتقاء قدرت نرم ایران در منطقه غرب آسیا به عنوان نمونه آماری داشته است. نتیجه اینکه با بررسی مکتب شهید سلیمانی به عنوان مکتب جهان شمول و به عنوان یک الگوساز در دستگاه دیپلماسی کشور می تواند در جهت افزایش اقتدار کشور به عنوان یک ضرورت اساسی در جامعه امروزی مطرح شود.

کلید واژه: تروریسم، جمهوری اسلامی ایران، قاسم سلیمانی، قدرت نرم، منطقه غرب آسیا.

۱ استادیار گروه علوم سیاسی واحد بافت دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)

۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل واحد تهران شمال دانشگاه آزاد اسلامی، ایمیل: meysamrezazadeh1367@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری واحد بافت دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

یکی از شاخص‌های قدرت ملی کشورها را می‌توان بهره‌گیری از قدرت نرم دانست، کشورهای مختلف از قدرت نرم خود، بیش از قدرت سخت استفاده کرده و از این راه برای افزایش نفوذ خود در نقاط مختلف جهان استفاده می‌نمایند. قدرت نرم اقدامی یا مجموعه توانایی‌هایی است که نسبت به قدرت سخت هزینه کمتری دارد. قدرت نرم یا از طریق ترویج ارزش‌های فرهنگی و سیاسی کشور حاصل می‌شود و یا ممکن است از طریق افزایش قدرت منابع علمی تکنولوژی و حتی قدرت نظامی استفاده کرده و به صورت یک مجموعه به هم پیوسته درآمده که کشورها برای پیشبرد اهداف خود از آن استفاده می‌کنند. یکی از مناطقی که جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در آن نفوذ معنوی پیدا کرد غرب آسیا می‌باشد. غرب آسیا از گذشته به دلایل مختلف در کانون تحولات جهانی قرار داشته است. علاوه بر منابع و مسائلی که در این منطقه وجود دارند، مداخله بازیگران فرا منطقه‌ای در امور داخلی کشورهای غرب آسیا نیز باعث پدید آمدن بحران‌های متعددی در این منطقه شده است.

آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر (لشکرکشی آمریکا به منطقه و وقوع جنگ در افغانستان و عراق) که به زعم خود بدنبال اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در غرب آسیا بود و در این راستا با ایجاد ناامنی و اشغال برخی کشورها و ایجاد گروه‌های تروریستی مانند داعش در عراق و سوریه را در دستور کار خود قرار داد، تمام تلاش آمریکا طی چهار دهه قبل و به بالخصوص دو دهه اخیر این بوده تا مانند لیبی و عراق تبدیل به کشوری اشغال شده گردد.

اقدامات نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با فرماندهی حاج قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا و بویژه عراق و سوریه در این زمینه مهم است زیرا توانسته بود آمریکایی‌ها را شکست دهد. سردار سلیمانی از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ باعث گردید نقش آمریکا در عراق کم‌رنگ شده و از طرفی به مبارزه با تروریسم منطقه‌ای پرداخت. پس شیوه و اصول حاج قاسم سلیمانی طی ۲۲ سال گذشته در مواجهه با رویدادها و تحولات منطقه‌ای و جهانی موجب برجسته شدن نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شد، و همچنین عملکردهای حاج قاسم سلیمانی نقش ویژه‌ای در شکست‌های آمریکا در غرب آسیا دارد و باعث می‌شود؛ موقعیت و لایه عمیق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا تقویت و برعکس موقعیت آمریکا در منطقه غرب آسیا خصوصا در میان ملت‌های منطقه تضعیف شود. به عبارتی حاج قاسم سلیمانی ((معمار شکست‌های راهبردی آمریکا در غرب آسیا)) شد. حاج قاسم سلیمانی در سطح بین‌المللی هم جایگاهی پیدا کرده و توانسته بود حتی نیروهای روسیه را وارد عرصه مقاومت کند. برای متقاعد کردن روسیه برای ورود به عرصه مبارزه نیز نیاز به تدبیر بود تا پوتین را به کم هزینه بودن مبارزه در روسیه قانع کند. در واقع در این زمینه نیز سردار از توانایی بالایی در دیپلماسی برخوردار بود.

با توجه به نقشی که سردار حاج قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا داشته پژوهش‌های علمی کمترین توجه به این نقش و به این موضوع شده است، اگرچه به صورت ژورنالی و روزنامه‌ای نکاتی نوشته شد اما به صورت فنی انجام نشده است. مراکز و مؤسسات اندیشه‌ای آمریکا، به این نتیجه رسیده‌اند که اقدامات حاج قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا یکی از عوامل اصلی شکست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و افزایش قدرت نرم و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده است، اگرچه آنها پژوهشی علمی درباره قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ارائه ننموده‌اند ولی به این درک رسیده بودند که سردار حاج قاسم سلیمانی نقش بسیار مؤثری در تولید قدرت نرم ایران در غرب آسیا داشته است، از آنجایی که تا قبل از شهادت حاج قاسم سلیمانی توجهی به این موضوع نبوده و بصورت کلی درباره قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بحث می‌شد و با توجه به نقش محرمانه حاج قاسم سلیمانی، مراکز پژوهشی نیز انگیزه‌ای برای ورود به بحث‌ها نداشتند ولی در عین حال این موضوع مورد اذعان کارشناسان و ناظران بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی ایران است.

آن چه حائز اهمیت است این که شیوه مدیریت حاج قاسم سلیمانی و نوع عملکرد ایشان چگونه بوده است که منجر به تولید و ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران یا به عبارت دیگر به عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کمک کرد؟ این پژوهش درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش اساسی پاسخ دهد

که سردار حاج قاسم سلیمانی چه نقشی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) دارد؟ بنابراین اهمیت و ضرورت این تحقیق در چند نکته نهفته است؛ هم ارزش نظری دارد و هم ارزش راهبردی دارد و هم ارزش کاربردی عملیاتی دارد، ارزش نظری بحث این است که به هر حال نوع کار حاج قاسم سلیمانی در واقع مبتنی بر یک الگوی رفتاری خاصی بوده. الگوی رفتاری می‌تواند شکل یک نظریه قرار بگیرد. با توجه به موفقیت‌هایی که داشته مبنای نظریه و الگویی برای توسعه قدرت نرم باشد، از حیث نظری می‌تواند باب جدیدی در حوزه تولید قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف فعالیت ایران داشته باشد. از حیث راهبردی هم به بررسی موشکافانه و علمی نقش آفرینی حاج قاسم سلیمانی در تولید افزایش قدرت نرم می‌تواند در افزایش امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد و در بخش کاربردی و عملیاتی بهره‌گیری از نوع شیوه‌ها و نوع الگوهای آن می‌تواند در تداوم نتایجی که از مدیریت سردار حاج قاسم سلیمانی بدست آمده کمک کند و مورد کاربست سایر بخش‌های سیاست خارجی قرار بگیرد.

مبانی نظری قدرت نرم

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ میلادی در نشریه آتلانتیک مطرح نمود (Nye, ۱۹۹۰). او در بررسی بهترین قدرت حساسیت داشت. نای تأکید داشت که در چارچوب کلی منابع متحول قدرت، باید میان «روش اعمال مستقیم قدرت یا شیوه آمرانه» و روش اعمال غیر مستقیم قدرت یا رفتار متقاعدکننده قدرت تمایز قائل شد. او در مورد اول، از مضامین تشویق و ترغیب کننده یا تهدیدآمیز استفاده می‌کند، اما در نوع دیگر، مسائلی چون جذابیت عقاید و باورها، توانایی دستور کار سیاسی، فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها برای شکل دادن به ترجیحات مورد نظر دیگران مورد توجه قرار می‌داد (Nye, ۱۹۹۰: ۱۹۲-۱۹۷).

جوزف نای موفقیت در سیاست‌های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است: قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، می‌باشد. نای، اطلاعات را وجه بارز قرن اخیر می‌داند. از نظر او در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند؛ همچنین او اعتقاد دارد عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان شمول و نهادهای بین‌المللی در تحت تأثیر تحولات جهانی، اهمیت مضاعفی یافته‌اند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۴). جوزف نای، قدرت نرم را توانایی جذب کردن می‌داند که اغلب در نهایت به رضایت منجر می‌شود (Nye, ۲۰۰۲: ۳) بر خلاف قدرت سخت که بیشتر مبتنی بر زور و تهدید و یا پاداش است، در قدرت نرم یک کشور به نتیجه مورد نظرش از طریق روش‌های غیر مستقیم دست می‌یابد. بر مبنای نظریه نای، ماهیت قدرت نرم بر مبنای شکل دهی بر ترجیحات دیگران استوار است و این امر به گونه‌ای ناملموس و با استفاده از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود. البته قدرت نرم متفاوت از نفوذ می‌باشد، نفوذ می‌تواند مبتنی بر قدرت سخت، تهدید و یا پاداش باشد، اما قدرت نرم توانایی جذب کردن مبتنی بر رضایت است (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۷).

در دیدگاه نای در قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه اجبار، پاداش و جذب و اقناع وجود دارد. از نظر نای، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی به اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جذابیت از فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد، به خصوص زمانی که سیاست‌های یک کشور در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است. نای برای پیشبرد دیپلماسی نرم افزاری کارآمد از منطقه غرب آسیا استفاده کرده است. او برای افزایش کارایی در این منطقه، بر راهکارهایی چون افزایش اعتبارات مربوط به قدرت نرم و دیپلماسی عمومی تأکید می‌کند. در این میان، وی از راهبرد کوتاه، میانه و دراز مدت سخن می‌گوید که مواردی چون راه اندازی کانال‌های رادیویی و تلویزیونی، توسعه تدابیر دموکراتیک و مبادلات

آموزشی و فرهنگی و توسعه جامعه مدنی را دربر می‌گیرد. وی متناسب با دامنه تاثیرگذاری سیاست مبارزه با تروریسم، به‌ویژه در زمینه مقابله با تهدید ناشی از القاعده، سلاح کشتار جمعی و رادیکالیسم اسلامی (داعش)، دوباره بر قدرت نرم به عنوان پاسخی کارآمد به تهدیدات یادشده پافشاری می‌کند (Nye, 2004: 16-24).

نای در مقوله عصر اطلاعات به عنوان مهمترین ویژگی کنونی نظام بین الملل از محدودیت های قدرت های بزرگ به ویژه آمریکا در سایه اعمال نفوذ سخن می‌گوید. وی استفاده از قدرت هوشمند که در ترکیب قدرت نرم و قدرت سخت ایجاد می‌شود، بهترین شیوه برای اعمال مبارزه با تروریسم می‌داند. وی تداوم این شیوه را در توانایی اعمال قدرت توسط یک رهبری هوشمند می‌داند که بتواند در کنار توسعه اقتصادی، امنیت بهداشت عمومی، مشکلات آب و هوا و ... ثبات و امنیت را نیز تامین کند و این به تنهایی به دست نمی‌آید مگر اینکه رهبری بتواند با چالش های جدید جهانی رویارو شود (Nye, 2009, 160-163).

بنابراین مفهومی که از قدرت نرم جوزف نای می‌شود برداشت نمود و به کمک این پژوهش بیاید این است که قدرت نرم به‌عنوان «توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه است» و منابع آن که در جذابیت تأثیر می‌گذارد در فرهنگ، ایده آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور خلاصه می‌شود. دست‌یابی به نتایج دلخواه حوزه ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی در گرو طراحی خوب راهبردی و رهبری با مهارت است، ویژگی‌هایی که طبق نظریه قدرت نرم جوزف نای در عصر اطلاعات و پراکندگی منابع قدرت، اهمیت بالاتری می‌یابد. پس در مؤلفه قدرت نرم جوزف نای، «رهبری» مولفه کلیدی دانسته شده است. چرا که مهارت‌های مختلف رهبری چون ایجاد بینش و تصویر، برقراری ارتباط با آن، جذب و انتخاب افراد توانمند، انتخاب نماینده و تشکیل ائتلاف‌ها، اعتماد، تاریخ، ارزش‌های فرهنگی یک کشور، اعتبار رهبری و ... به قدرت نرم وابسته است. به خاطر همین نقشی که سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا ایفا می‌کند به مانند یک رهبری هوشمند با شخصیتی جذاب و با داشتن اقتدار اخلاقی توانسته مشروعیت در بین کشورهای منطقه غرب آسیا کسب کند به همین دلیل در ادامه در ذیل منابع قدرت نرم به این موارد اشاره خواهد شد.

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا

برای اینکه تأثیرگذاری قدرت نرم را بر منطقه غرب آسیا مورد بررسی قرار دهیم نیاز به شناخت منابع قدرت نرم می‌باشد که بر اساس شناخت این منابع قدرت نرم در کشورهای منطقه می‌توان به نقش سردار سلیمانی در ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پی برد. که در ادامه به آن پرداخته می‌شود



باورها و ارزش‌ها

ایستارها که از ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای اجتماعی و از بسترهای ویژه تاریخی، اجتماعی، اقلیمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی می‌شوند، جوهره قدرت نرم را تشکیل می‌دهند (باقری، ۱۳۸۹: ۲۱۹). قدرت نرم بر توان شکل دادن به ترجیحات و ارزش‌های دیگران استوار است. توان شکل دادن به ترجیحات و ارزش‌ها با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع و اخلاقی تلقی می‌گردند مرتبط است (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۴). اگر جمهوری اسلامی ایران ارزش‌هایی که ارائه می‌نماید که کشورهای منطقه خواهان پیروی از آن باشند برای مدیریت نیاز به هزینه کمتری خواهد داشت که سردار سلیمانی از این منبع به خوبی در جهت ارتقاء گفتمان اسلامی بهره برده است.

اعتماد

اعتماد که جان‌مایه سرمایه اجتماعی است، یکی دیگر از ارکان قدرت نرم را تشکیل می‌دهد. اعتماد اجتماعی بر انتظارات، تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۹). به نظر میرسد قدرت نرم در انواع سه گانه اعتماد وجود داشته باشد: اعتماد عمومی که ناظر به کلیت جامعه است و مواردی چون آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آنها برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی را شامل می‌شود. اعتماد دانش‌پایه که مبنای آن دانش است و اعتماد ویژه که در بین افراد خاصی وجود دارد. پس اعتمادی که سردار سلیمانی در منطقه برای نیروهای تحت فرمان خود و تحت فرمان نیروهای منطقه ایجاد کرد باعث شد که کشورهای منطقه حساب ویژه‌ای روی جمهوری اسلامی ایران و برون رفت از مشکلاتشون داشته باشند.

اعتبار

ضلع دیگر قدرت نرم اعتبار است. نای معتقد است اعتبار یک منشأ تعیین کننده و یک رکن با اهمیت قدرت نرم محسوب می‌گردد. امروزه مبارزات سیاسی بر سر ایجاد و از بین بردن اعتبار رخ می‌دهد. دولت‌ها نه تنها با یکدیگر بر سر اعتبار رقابت می‌کنند، بلکه این کار را با بهره‌گیری از گستره وسیعی از بدیل‌های مختلف شامل رسانه‌های خبری، شرکت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مجامع علمی صورت می‌دهد (نای، ۱۳۸۳: ۱۲). سردار سلیمانی از این ضلع قدرت نرم به خوبی در جهت ارتقاء اعتبار جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ایجاد کرد.

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی

اثرگذاری پیچیده و قابل توجه فرهنگ باعث ورود آن به رشته‌های مختلفی همچون مدیریت، روابط بین الملل و... شده است. (عسگری، ۱۳۸۴: ۲). فرهنگ عبارت است از باورها و ارزش‌هایی که از زیرساخت‌های فکری و جهان بینی انسان‌ها نشأت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست فردی و اجتماعی زندگی متجلی م شود (نائینی، ۱۳۸۵: ۷۸). اندیشمندان فرهنگ را شامل سه لایه دانسته‌اند: جهان بینی، لایه دوم ارزش‌ها و باورها، لایه سوم تجلی مادی آن دو. دین و ایدئولوژی در لایه اول و دوم فرهنگ نقشی تعیین کننده دارد. اساساً دین و ایدئولوژی به مثابه یکی از مهم‌ترین کانون‌های ساطع کننده ارزش‌ها و باورها از مراجع بینش دهنده تلقی می‌گردد. از کارکردهای دین و مذهب انگیزه آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف است. علاوه بر این دین و مذهب ضمن جهت‌دهی به بینش‌ها و رفتارها، باورهایی عمیق در ذهن و ضمیر افراد تولید و بازتولید می‌کند. سردار سلیمانی این باور و این اعتقاد را در بین رزمندگان منطقه ایجاد کرد که می‌توان با استفاده سلاح دین

و ایدئولوژی نمی‌توان بهره سیاسی برد و آن را در مسیر اشتباه استفاده کرد. پس انگیزه آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف از اصول اولیه سردار در جهت ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه بود.

عملکرد سیاست داخلی کشورها

سیاست‌گذاری عمومی و کارایی داخلی از منابع قدرت نرم است. امروزه برای سیاست عمومی پنج عملکرد اساسی استخراجی، توزیعی، تنظیمی، یکپارچگی و نمادین ترسیم می‌کنند که در حقیقت همان برون‌دادها یا اقداماتی است که دولت‌ها به منظور دستیابی به اهدافشان اتخاذ می‌کنند (آلموند و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۲۶). این منبع قدرت نرم اگر در داخل کشور دچار ضعف باشد قطعاً در کشورهای منطقه تأثیرگذار خواهد بود. سردار سلیمانی کشورهای منطقه را که درگیر با مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی بودند با سبک مدیریتی خود به آنها نظم و سروسامان بخشید و نگذاشت کمبودها باعث پیشروی عملکردها در مبارزه با تروریسم و استکبار گردد.

علوم و فن آوری ها و دانش

از نظر صاحب‌نظران نوآوری‌های فن‌آورانه بر ثروت، قدرت، الگوهای فرهنگی کار و روابط افراد اثر می‌گذارد (باقری، ۱۳۸۶: ۱۸). به‌طور کلی نظام آموزشی و پژوهشی قدرتمند در جامعه پذیری بهینه و ارائه الگوی مورد پسند یک جامعه به سایر جوامع نقش اساسی دارد.

کمک به بهبودی وضعیت معیشتی کشورهای فقیر

رسیدگی به وضعیت کشورهای فقیر از منبع قدرت نرم کشور محسوب می‌شود. کشورهای فقیری که در هر صورت زیر سلطه استکبار و غارت و چپاول قدرتمندان قرار می‌گیرند، حمایت از آنها و کمک به وضع معیشت آنها علاوه بر اینکه قدرت نرم ایران را در آن کشور افزایش می‌دهد، قدرت معنوی کشور را نیز تقویت می‌کند و در آینده همین پتانسیل‌ها می‌تواند به عنوان یک قوه بالفعل در برابر استکبار عمل کند.

تاریخ

تاریخ یک کشور خود یک توانمندی در عرصه قدرت نرم ایجاد می‌کند، در این زمینه ایران دارای غنای بیشتری از آمریکای‌هاست. یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های تاریخ ایران، واقعیت مستمر و پایدار ملت و دولت ایران در طول تاریخ پرفراز و نشیب این مرز و بوم بوده است (شمس و یزدانی، ۱۳۸۴: ۷۷). بنابراین سردار سلیمانی از این منبع به عنوان یک منبع الهام بخش و هویت بخش در جهت ارتقاء سطح تاریخی کشورما در منطقه استفاده کرده است.

رهبری و کیفیت آن

کیفیت رهبری همیشه تأثیر تعیین‌کننده‌ای در قدرت ملی کشورها داشته است (مورگنتا، ۱۳۸۴). رهبری تنها دستور دادن نیست بلکه شامل هدایت کردن بواسطه الگو بودن و جذب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید نیز می‌باشد (نای، ۱۳۸۷: ۴۳) البته از این منبع به طور مفصل در ادامه اشاره می‌شود. صادرات فرهنگی

از آن حیث که بیانگر توانمندی یک بازیگر و تأثیرپذیری دیگران از او می‌باشد از منابع قدرت نرم به شمار می‌آید (نای، ۱۳۸۲: ۹) بنابراین تولید محصولات فرهنگی بر اساس علایق و فرهنگ آن کشور و شناسایی فرهنگ مشترک دو کشور و پرداختن به این ویژگی‌های مشترک از اصول قدرت نرم به حساب می‌آید.

دیپلماسی عمومی یک سلاح نرم افزاری

دیپلماسی به‌عنوان یک سلاح نرم افزاری نقش مهمی در شکست رقبا و دشمنان آمریکا پس از جنگ جهانی دوم داشته و اکنون به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های چندگانه آمریکا ظاهر شده و خاورمیانه را هدف قرار داده است (پورحسن، ۱۳۸۶: ۹). دیپلماسی در این مفهوم به معنای جنگ عقیدتی نیز به کار رفته است. استفاده از داعش برای ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی از نمونه‌های دیپلماسی عمومی دشمنان در منطقه است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران به کمک سپاه قدس و نقش سردار سلیمانی در به هم زدن این حربه و اتحاد بین شیعه و سنی و از بین بردن جنگ عقیدتی استفاده کرده است.

ارائه خط مشی متناسب با سازمان‌های منطقه‌ای و قواعد منطقه‌ای

اگر یک کشوری بتواند قواعد منطقه‌ای را به گونه‌ای که متناسب با منافع همه اعضا باشد، به صورت قطعی سیاست‌های اجرائی‌اش به دلیل انطباق با قواعد منطقه‌ای مذکور از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. پس این منبع هم می‌تواند به‌عنوان قدرت نرم کشور در حوزه سیاست‌گذاری آن کشور و منطقه تأثیرگذار باشد.

بنابراین هدف استفاده از این نظریه در این مقاله این می‌باشد که آن چیزی که عامل موفقیت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا شده و باعث شکست تمام تئوری‌های جنگ‌های سخت و نامنظم شده فقط استفاده از امکانات سخت افزاری سردار نبوده، بلکه با استفاده از قدرت نرم در جهت ترغیب کشورهای منطقه علیه تروریسم و استکبار با استفاده از ابزار فرهنگی و سیاسی و مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی بوده که در ادامه به این موارد اشاره خواهد شد.

عناصر ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بر اساس عملکرد سردار سلیمانی



عنصر تمدنی انقلاب و نظام اسلامی در ابعاد دیپلماسی و سیاست خارجی

ایفای نقش سازنده در زمینه بازتولید منافع مشترک منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم، توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حمایت از روند ثبات منطقه‌ای بر اساس امنیت دسته‌جمعی، بیداری اسلامی و احیای تفکر

و ارزش های دینی، جایگاه محوری در کمر بند طلایی مقاومت، الهام بخشی در خاورمیانه بر اساس الگوی مردم سالاری دینی، تبیین مدل بومی اصلاحات درون‌زا در نظام‌های خاورمیانه، بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی و رسانه‌ای برای تبیین پیام عدالت، صلح و عزت، پیروی از الگوی تعامل مؤثر و سازنده با کشورهای اسلامی، اتخاذ دیپلماسی فعال و مؤثر در سیاست خارجی بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، عضویت فعال و اثرگذار در سازمان های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ارتقای نقش دین در عرصه تصمیم سازی، تقویت راهبرد چندجانبه گرایی و نفی سیاست‌های یک جانبه گرایانه امریکا در منطقه، تلاش در جهت اعتمادسازی منطقه‌ای بر اساس گسترش همکاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای بین ملت‌های مسلمان، تقویت تشکلهای غیردولتی برای همکاری با کشورهای اسلامی در جهت حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و یا تقویت همکاری های نرم افزاری، سرمایه‌گذاری در دیپلماسی عمومی، بهره‌گیری از قدرت نرم افزاری در مدیریت افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی، اعتبار بخشی به فرآیند اطلاع رسانی، خنثی‌سازی جنگ روانی دشمنان در منطقه، تقویت مؤلفه‌های هویت بخش، انتقال پیام از طریق وسایل ارتباط جمعی سنتی و مدرن، تصویرسازی و هنجارسازی ارزشی، تقویت جایگاه ایدئولوژی در نظام تصمیم‌گیری منطق ای و جهانی، گسترش همکاری‌های سازنده، مؤثر و چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اساس منطقه‌گرایی نوین، و ارتقای سطح آگاهی و بیداری ملت‌های منطقه، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و خلق فرصت‌های نوین، همه از مواردی است که یا سردار سلیمانی در آن‌ها نقش مستقیم داشته و یا به طور غیر مستقیم در به وجود آمدن این عناصر در جهت تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش کرده است (سرپرست سادات، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

رهایی بخش بودن اهداف جمهوری اسلامی ایران

یکی از عناصری که موجب افزایش قدرت نرم ایران شده، رهایی بخش بودن اهداف جمهوری اسلامی ایران است. ایران هدف اصلی حضور خود در منطقه را رهایی مردم از تجاوزگران خارجی و دولت‌های سرکوب‌گر قرار داده و به همین دلیل نیز از محبوبیت در میان مردم منطقه برخوردار شده است. در واقع ایران به روشنی نشان داده که هیچ چشم‌داشتی به کشورهای منطقه ندارد و صرفاً خود را حامی گروه‌ها و نهضت‌های آزادی بخش می‌داند و از کمک به چنین گروه‌هایی دریغ نمی‌ورزد. این امر باعث اعتماد ملت‌های منطقه به ایران شده است. علاوه بر این حمایت ایران از دولت‌های منطقه در برابر تجاوز و اشغال خارجی و مخاطرات تروریستی و افراط‌گرایانه موجب اعتماد دولت‌های منطقه به ایران شده است.

ایجاد هسته‌های مقاومت در سراسر منطقه

یکی از مهم‌ترین عناصر راهبردهای سردار سلیمانی در مدیریت بحران های منطقه، ایجاد و ساماندهی هسته‌های مقاومت بوده است. نمونه بارز و موفق این الگو، حزب الله لبنان است که نقش مهمی در تحولات منطقه به‌ویژه رویارویی با رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند. حزب الله سازمانی سیاسی نظامی و نیرویی چریکی است که در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با ایدئولوژی اسلام سیاسی متأثر از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در لبنان ظهور کرد و با شعار «مبارزه با اسرائیل» توانست بین گروه‌های مختلف اعتقادی در لبنان وحدت ایجاد کند و با هدف مقاومت برای شکست رژیم صهیونیستی و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی، جوانان را به خود جذب کند. این جنبش با یاری و همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای مبارز خود را که به انقلاب اسلامی علاقه‌مند بودند، آموزش داد و آنها را در راه بسیج و سازماندهی نظامی علیه رژیم صهیونیستی به کار گرفت. پیروزی سال ۲۰۰۰ بر رژیم صهیونیستی و موفقیت در عقب‌راندن نیروهای این رژیم از جنوب لبنان و نیز مقاومت ۳۳ روزه در برابر این رژیم در سال ۲۰۰۶، روز به روز بر محبوبیت حزب الله در بین مردم لبنان و کشورهای عربی افزود (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۴۱). بر این اساس حزب الله لبنان به‌عنوان مهم‌ترین جنبش اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی، تغییراتی استراتژیک در معادلات منطقه و منازعات اعراب با رژیم صهیونیستی ایجاد کرد.

در سوریه نیز سردار سلیمانی حمایت‌های زیادی از تشکیل «دفاع وطنی» کرد. در واقع یکی از اقدامات شهید سلیمانی در سوریه، ساماندهی به دفاع وطنی به‌عنوان بسیج مردمی در سوریه بود که نقش مهمی در مبارزه با گروه‌های تروریستی ایفا کرد. علاوه بر این، سردار نقش مهمی در شکل‌گیری گروه‌های ویژه‌ای مانند لشکر «فاطمیون» داشت. علاوه بر سوریه و عراق، در یمن نیز انصارالله به‌عنوان یکی از هسته‌های مقاومت، موفق به ایفای نقش مؤثری شد و رهبری انقلاب در این کشور را برعهده گرفت.

در مجموع، سردار سلیمانی طی سال‌های گذشته، دو اقدام مهم در راستای تشکیل هسته‌های مقاومت در سراسر منطقه انجام داده که نقش مؤثری در مدیریت بحران‌های منطقه ای داشته است: اقدام اول مبتنی بر حمایت به منظور شکل‌گیری و ایجاد هسته‌های مقاومت، اقدام دوم، مرتبط کردن و پیوند دادن میان هسته‌های مقاومت بوده است. به نحوی که امروز میان حزب الله، انصارالله، دفاع وطنی، حشد شعبی و... ارتباط ناگسستنی وجود دارد. این امر باعث شده فعالیت هسته‌های مقاومت در ارتباط با یکدیگر باشد و از قابلیت هم‌تکمیلی در سراسر منطقه برخوردار باشند (بهمن، ۱۳۹۶: ۲۳۰-۲۳۱). به این ترتیب، اقدام جهت سامان‌دهی به هسته‌های مقاومت در سراسر منطقه به مثابه یکی از عناصر مؤثر در موفقیت قدرت نرم ایران در مدیریت بحران‌ها مطرح است. به‌نحوی که در حال حاضر جبهه مقاومت به‌عنوان ثمره و محصول مدیریت ایران از ظرفیت‌های درخور توجهی در سطوح منطقه‌ای و جهانی برای تأثیرگذاری بر رویدادها و روندها برخوردار است؛ به خصوص که هسته‌های مقاومت در کشورهای خود موفق شده‌اند به شکل بومی نقش قابل توجهی در مبارزه با تجاوز خارجی و مقابله با گروه‌های تروریستی و تکفیری ایفا کنند.

حضور مستشاری و نظامی در بحران‌های منطقه

حضور مستشاری و مستقیم نظامی ایران در بحران‌ها که همگی به درخواست دولت‌ها و ملت‌های منطقه صورت گرفته‌اند، یکی از مهم‌ترین عناصر موفقیت سردار سلیمانی در مدیریت بحران‌های غرب آسیا محسوب می‌شود. دلایلی که حضور مستشاری و نظامی ایران با مدیریت سردار سلیمانی در بحران‌های منطقه را به عاملی موفقیت آمیز در مدیریت بحران‌ها تبدیل کرد شامل:

استفاده از تجربه‌های جنگ تحمیلی: تجربه‌های حاصل از جنگ تحمیلی، نقش مؤثری در مدیریت ابعاد نظامی بحران‌های موجود در منطقه داشته است؛ به‌خصوص که سایر کشورها و رقبای ایران، فاقد چنین تجربه جنگی درازمدتی بوده‌اند.

مقاومت در برابر همه: مقاومت ایران در دوران جنگ تحمیلی، مقاومت در برابر تمام کشورهای جهان بود؛ چنان که به‌صورت رسمی هر دو ابرقدرت آن دوران یعنی آمریکا و شوروی از عراق حمایت می‌کردند. بنابراین تجربه مقاومت در برابر همه، در مدیریت بحران‌ها موجب شد که ایران به جای انزوا سعی کند از تجربیاتش برای مدیریت بحران کنونی استفاده نماید.

حضور میدانی فرماندهان: یکی از ویژگی‌های مهم مدیریت ابعاد نظامی حضور ایران در بحران‌های منطقه، حضور میدانی فرماندهان است که از تجربه دوران دفاع مقدس حاصل شده است. این ویژگی باعث شده نیروهای نظامی معمولی با قوت و روحیه بهتری عمل کنند و فرمانده نیز به صورت مستقیم در جریان تحولات میدانی قرار گیرد. این امر از چشم رسانه‌ها و تحلیل‌گران غربی دور نمانده است. به عنوان مثال، هفته نامه اشپیگل آلمان در باره حضور سردار سلیمانی در میدان‌های نبرد می‌نویسد:

«سردار قاسم سلیمانی شخصیتی نیست که وقتی نیروهای خود را به نبرد می‌فرستد، در خانه بماند. این فرمانده به راحتی می‌تواند در پشت جبهه باقی بماند، اما ترجیح می‌دهد خود را در جبهه نبرد نشان دهد» (Salloum, ۲۰۱۴).

خبرگزاری رویترز نیز در گزارشی، حضور میدانی فرماندهان ایران در نبرد آزادسازی فلوجه را چنین توضیح می‌دهد: «در هفته‌های اخیر هزاران سرباز عراقی و اعضای شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران در اطراف

فلوجه مستقر شدند تا به این شهر سنی حمله کنند. در آستانه حمله، ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس، شاخه عملیات ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران با رهبران ائتلاف شبه نظامیان شیعه عراقی موسوم به نیروهای حشد شعبی دیدار داشت و خود به صورت مستقیم، کنترل اوضاع را در دست گرفت» (Bazzi, ۲۰۱۶).

در مجموع با توجه به آنکه تمام بحران‌های موجود در غرب آسیا دارای ماهیتی نظامی و امنیتی بوده‌اند. روند حضور مستقیم نیروهای نظامی ایران در بحران‌های منطقه نشان می‌دهد که در وهله نخست، این حضور نظامی به خواست ملت‌ها و دولت‌های کشورهای بحران زده صورت گرفته و در مراحل بعد، با مدیریت صحیحی که در این خصوص توسط سردار سلیمانی انجام شده، حضور نظامی و مستشاری به یکی از دلایل موفقیت ایران در بحران‌های غرب آسیا مبدل شده است.

استفاده از دیپلماسی نهضتی

یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، اقدامات دیپلماتیک در خلال بحران است که ممکن است به صورت اربعابی یا سازشی و یا ترکیبی از هر دو صورت گیرد (کاظمی، ۱۳۷۸: ۴۴۹). بر این اساس سردار سلیمانی سعی کرده با استفاده از دیپلماسی نهضتی به مدیریت بحران‌های غرب آسیا پردازد. هدف اصلی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، استقرار و استمرار روابط طولانی مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های خود با سایر جوامع است. دیپلماسی نهضتی به دنبال ایجاد رابطه برای حمایت و تقویت نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان به ویژه جهان اسلام است.

با چنین اهدافی، سازمان و نظریه‌پردازان نهضتی برای خود نقشی قائل می‌شوند که «هالستی» از آن با عنوان نقش «سنگر انقلاب» و «رهایی بخش» و همچنین «حامی جنبش‌های رهایی بخش» یاد می‌کند (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۲-۲۰۱). چتر حمایتی چنین نقشی علاوه بر امت و جوامع اسلامی، شامل سایر ملت‌ها و گروه‌های آزادی بخش و عدالت خواه نیز می‌شود. بر این اساس می‌توان مهم‌ترین اهداف دیپلماسی نهضتی سردار سلیمانی را در جوامع اسلامی به شرح زیر برشمرد:

- ۱- حمایت از نهضت‌های موجود آزادی خواه و حق طلب در جهان اسلام و ایجاد نهضت‌های جدید
- ۲- تبلیغ و اشاعه نهضت اسلامی به عنوان یک حرکت اصیل و حق طلبانه
- ۳- هویت بخشی و آگاه کردن مسلمانان نسبت به شرایط موجود
- ۴- بازخوانی و بازشناسی مسئله اشغال فلسطین برای تمام مسلمانان جهان
- ۵- مقابله با جریان‌های اسلامی منحرف در جهان اسلام است که به انحای مختلف سعی می‌کنند چهره اسلام را تخریب و اسلام واقعی را تحریف کنند.
- ۶- دور نگه داشتن ملت‌های منطقه از مباحث اختلاف برانگیز میان شیعه و سنی.

۶- توان گفتمان سازی و جریان سازی

یکی از عناصر مهم دیگر جمهوری اسلامی ایران در جهت ارتقاء قدرت نرم در منطقه در حوزه توان گفتمان سازی و جریان سازی در جهان اسلام است. به عنوان مثال، شکل دادن به «گفتمان مقاومت اسلامی» و «گفتمان بیداری اسلامی».

در واقع به رغم آنکه طی سال‌های گذشته، شخص سردار سلیمانی به نماد نفوذ و قدرت ایران در منطقه مبدل شده‌اند، با این حال واقعیت آن است که یگان‌های نظامی ایران در بحرین، عراق، یمن، لبنان و... حضور ندارند و آنچه باعث پیروزی‌های پی در پی ایران در تحولات منطقه می‌شود، همین توان گفتمان سازی است که از آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی ناشی می‌شود. از این رو برخلاف رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران که در پی افزایش نفوذ اکتسابی خود از طریق پول، سلاح و تبلیغات هستند، نفوذ ایران در منطقه ذاتی است و

بر اصول معنوی و فرهنگی استوار شده است (بهمنی، ۱۳۹۶).

نفوذ معنوی

یکی دیگر از عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نفوذ معنوی است که در قالب دین، تاریخ، زبان، فرهنگ مشترک و... نمایان می‌شود. به همین منظور «مایکل رویین» در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های بنیادین قدرت نرم ایران» که برای مجله «دیده‌بان محیط عملیاتی» وابسته به «دفتر مطالعات نظامی خارجی» ارتش آمریکا انجام داده، ابعاد گسترده قدرت نرم ایران را چنین ترسیم می‌کند: «رویکرد ایران به قدرت نرم، ماهرانه و متنوع است. اگرچه ممکن است برداشت غربی‌ها از ایران، بیش از هر چیز تحت تأثیر لفاظی‌های «مذهبی» جمهوری اسلامی باشد، اما دولت‌های مختلف ایران، یکی پس از دیگری، هم قبل از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ و هم بعد از آن، برای گسترش نفوذ و دستیابی به اهدافی فراتر از مرزهای خود، به دنبال سرمایه‌گذاری روی فرهنگ، مذهب و میراث تاریخی این کشور بوده‌اند. تاریخ و دین هر مشترک هر دو از عواملی است که در قدرت نرم ایران نقش دارد. البته به رغم آنکه ایران اولین حکومت دین سالار شیعه در جهان مدرن را تشکیل داد، اما منحصر دانستن قدرت نفوذ ایران به کشورهای شیعه اشتباه است؛ زیرا باید تأثیر تاریخ ایران پیش از اسلام را حتی بر نحوه برداشت ایرانیان از اسلام در نظر گرفت. زبان فارسی یکی دیگر از ابزارهای فرامرزی قدرت نرم ایران است. در کنار زبان عربی که زبان مشترک خاورمیانه از مدیترانه گرفته تا سواحل خلیج فارس است، زبان فارسی این نقش را در پهنه‌های دیگر نقش آفرین است. بر این اساس مقابله با قدرت سخت ایران کافی نیست و غرب ناگزیر است بر قدرت نرم این کشور نیز تمرکز کند؛ به خصوص که استراتژی‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی، پیچیده و عمیق هستند و اغلب پاسخی به آن‌ها داده نمی‌شود» (Rubin, ۲۰۱۷).

عملکرد مدیریتی و فرماندهی سردار حاج قاسم سلیمانی در جهت ارتقاء قدرت نرم ایران در منطقه غرب آسیا

امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها، داشتن مدیران و فرماندهان کارآمد و لایق است تا توان توسعه و بالندگی را افزایش دهند و بتوانند در میدان نبرد قدرت نرم کشور را افزایش دهند. جامعه اسلامی ایران از پیروزی انقلاب و بویژه در دوران هشت سال دفاع مقدس و بعد از آن، فرماندهان و مدیران لایقی به خود دیده است که همواره سعی در اجرای اصول فرماندهی و مدیریت اسلامی در جامعه داشته‌اند و مدیریت جهادی به عنوان الگو و مظهر برای آنان قلمداد می‌شده است، تدوین مکتب این گونه فرماندهان و مدیران اهمیت بسزایی دارد و باعث الگوگیری دیگر فرماندهان و مدیران در سبک زندگی شخصی و سبک زندگی سازمانی خواهد شد. با عنایت به این موارد و فرمایش حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره شهید سلیمانی که می‌فرماید: «به شهید حاج قاسم به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم» (امام خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، مورخ ۲۷/۱۰/۱۳۹۸)

عملکرد نظامی سردار سلیمانی در جهت ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

یکی از موضوعات مهمی که در ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا اهمیت ویژه‌ای داشت عملکرد نظامی سردار سلیمانی در منطقه بود. برای اینکه جمع کردن گروه‌های قومی و فرقه‌ای در زیر یک پرچم برای برای مبارزه با جبهه استکبار و گروه‌های تروریستی به راحتی امکان پذیر نبود. ولی سردار با عملکرد و هوش و درایت نظامی که داشت توانست همه این گروه‌ها را زیر یک پرچم علیه تروریسم متحد کند. بنابراین در جدول ذیل به برخی از مهمترین عملکردهای نظامی سردار در جبهه نرم اشاره می‌شود.

ردیف	عملکرد نظامی سردار قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۴-۹).
۱	سازماندهی و نظم سردار سلیمانی در طول دوران پرماجرایی نظامی خود، سازمان‌های زیادی را ایجاد کرد و از این طریق ظرفیت زیادی پدید آورد. سازمان‌هایی که او پدید آورد از دو خصوصیت مهم پیروی می‌کردند. یکی چابکی و استفاده از حداقل نیروی انسانی، دیگری کارا بودن و کمک بودن در میدان عمل.
۲	برخورداری از حکمت و درایت در میدان سردار در طول حیات سیاسی اش از علوم مختلف انسانی بهره‌افری داشت. او در میدان از درایت بالایی در تشخیص برخوردار بود.
۳	مشورت گرفتن سردار سلیمانی در سیاست عملی از مشورت و هم‌اندیشی بهره‌می‌برده و نمود آن شامل برگزاری منظم کمیسیون‌ها تخصصی، جلسات فراوان تک و چند نفره، گرفتن نظرات افراد در میدان به صورت حضوری، تلفنی و مکاتبه‌ای و مطالعه روز نظرات شخصیت‌های موافق و مخالف داخلی و خارجی بود.
۴	استفاده از نخبگان و احزاب منطقه در تصمیم‌گیری‌ها در سطح نخبگان نیز سردار سلیمانی با همه کار می‌کرد. کاملاً معلوم است که در محیطی مثل عراق یا سوریه و یا لبنان، شخصیت‌ها و رهبران مذاهب و طوایف و احزاب موضعی کاملاً متفاوت از یکدیگر دارند، تا جایی که بعضی در حال جنگ با بعضی دیگر هستند و در بسیاری از موارد اساساً گرد آوردن همه آنان زیر یک چتر داخلی ولو رنگ ملی آن غلیظ هم باشد امکان‌پذیر نیست. سردار سلیمانی کاملاً حرفه‌ای به رابطه با هر کدام از این دسته‌ها پرداخته بود.
۵	شناخت دقیق دشمن شناخت دقیق دشمن یکی از خصوصیات بارز نظامی سردار سلیمانی بود. او با دید باز و نافذ به آمریکا و عوامل آن می‌نگریست. حسن نیت به دشمن در او جایگاهی نداشت او با شناخت کامل به دنبال بهترین شیوه مقابله با دشمن می‌پرداخت.
۶	عزم و اراده پولادین پیروزی در میادین مهمترین هدف میدانی سردار سلیمانی بود و همواره تمام تلاش خود برای تحقق آن را بکار می‌بست.

پیامدهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بر اساس عملکرد سردار سلیمانی

کشور ما به دلیل برخوردار بودن از فرهنگ و تمدن کهن ایرانی-اسلامی، اصالت نژادی، وسعت سرزمین، کمیت و کیفیت جمعیت، امکانات نظامی، اقتدار سیاسی، نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی، منابع طبیعی، سرمایه اجتماعی، درایت و توانمندی رهبران فرهنگی و سیاسی، یکپارچگی انسجام ملی و مهم‌تر از همه تمسک به فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام و التزام به نظریه ولایت فقیه الگویی مترقی و متعالی برای کشورهای اسلامی و عامل مهمی در بیداری و خیزش ملت‌های اسلامی منطقه است. نای قدرت نرم را به منظور نمایاندن تأثیرات عوامل موثر بر عملکرد واحدهای مستقل و حکومت‌ها ابداع کرد که شامل قدرت سخت و قدرت اقتصادی نبود. در قدرت نرم، بر روی ذهن و رفتار سرمایه‌گذاری می‌شود تا عینیت مجازی تولید کند. این قدرت شامل توانایی جذب و مشارکت دیگران، همراه با رضایت آنان است (نای، ۱۳۸۷: ۴۴).

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که سردار سلیمانی با عملکرد مدیریتی و فرماندهی و نظامی خود توانست

بارقه‌های امید را در جهان اسلام و کشورهای منطقه پدیدار سازد. امید به حاکمیت آرمان‌های اسلامی، اصول و عقاید دینی مبتنی بر فطرت پاک انسانی نظیر حق جویی، استقلال خواهی، عدالت‌طلبی، آزادی خواهی، ظلم ستیزی، استکبارستیزی، حمایت از مظلومان را به‌عنوان ارزش‌های انسانی دوچندان کند. بنابراین در جدول ذیل به مهمترین پیامدهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا که سردار سلیمانی نقش مهمی در به وجود آمدن آن داشت، پرداخته می‌شود.

پیامدهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بر اساس عملکرد سردار سلیمانی (بهمنی، ۱۳۹۶)

ردیف	پیامد
۱	سردار سلیمانی توانست با ارتقای آگاهی و بیداری گسترده در بین مردم مسلمان، محروم و مستضعف جهان اسلام، روحیه شهامت و شجاعت لازم در آنان را برای مبارزه ایجاد کند.
۲	ایجاد خودباوری نسبت به توان و امکانات درونی و تشویق لزوم شناخت فزون تر نسبت به تجربه تاریخی و عملی جنبش آزادی‌بخش، جرأت حرکت‌های مردمی را برای مبارزه بر اساس اندیشه‌های انقلابی اسلام فزونی بخشید.
۳	موجب شد مردمی که از عظمت قدرت خود بی اطلاع بودند با برداشتنی نوین از اسلام با ایجاد دگرگونی سیاسی، حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی را بنا نهند.
۴	سردار به عنوان پیامی فراگیر و وحدت بخش در جهان اسلام توانست ضمن ایجاد روحیه اعتماد به نفس و خودباوری و ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم، به مسلمانان عزت بخشد و نشان دهد که می‌توان با توجه به جایگاه مباحث معنوی، ارزشی و اعتقادی در جوامع اسلامی و با تکیه بر روحیه ایثار و مبارزه در میان امت اسلام به بسط ایدئولوژیک نه شرقی و نه غربی و گسترش ارزش‌های اسلامی مبادرت ورزید.
۵	سردار سلیمانی اهمیت قدرت اعتقادی را برای نقش آفرینی مسلمانان مضاعف کرد.
۶	سردار موجب شد اسلام‌گرایی از نقش محوری در مبارزات آزادی‌خواهانه مسلمانان برخوردار شود، اسلام در مبارزات انقلابی تمرکز و محوریت یابد، اسلام به‌عنوان بزرگ‌ترین عامل احیاکننده روح و تضمین‌کننده سعادت انسان‌ها معرفی شود و تأثیرگذاری معنوی بر نهضت‌های اسلامی و مردمی موجبات گسترش بیداری اسلامی را در سراسر جهان اسلام فراهم سازد.
۷	حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های رهایی بخش در برابر استبداد حاکم.
۸	سردار سلیمانی با احیای هویت جهان اسلام، نشان داد که دین می‌تواند و باید عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی باشد.
۹	سردار سلیمانی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و بازتعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی باب خلاقیت را گشود.
۱۰	حمایت از دولت‌ها در برابر اشغال و مداخله خارجی.
۱۱	تلاش برای حفظ استقلال ملی کشورها.
۱۲	مبارزه با افراط‌گرایی، تروریسم و جریان‌های تکفیری.
۱۳	مبارزه با رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن جهان اسلام.
۱۴	مبارزه با آمریکا به‌عنوان قلب استکبار جهانی.
۱۵	استفاده از دیپلماسی نهضتی برای حل و فصل مسائل جهان اسلام.
۱۶	کمک به حل اختلافات داخلی جریان‌ها و گروه‌های کشورهای اسلامی.

ارائه آموزش نظامی و حمایت تسلیحاتی.	۱۷
ایجاد هسته های مقاومت در سراسر جهان.	۱۸
مقابله با یک جانبه گرایی های آمریکا و ناکام گذاشتن طرح های اهداف آمریکایی در جهان اسلام و مناطق پیرامون ایران.	۱۹
ایجاد حاشیه امن از طریق عمق بخشی به نفوذ معنوی ایران در میان ملت ها و دولت های اسلامی	۲۰

نتیجه گیری

مقاله حاضر اشاره به برخی از بایسته های نظری تحقق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا بر اساس مکتب سردار رشید اسلام شهید قاسم سلیمانی می باشد، که در ابعاد مدیریتی- فرماندهی و نظامی الگوبرداری شده است. مؤلفه های بسیاری در مقام شناسایی از منابع قدرت نرم گرفته تا عناصر و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت پاسخ به پرسش محوری مقاله که نقش سردار سلیمانی در ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران چه مواردی می تواند باشد، پاسخ داده شده است.

چارچوب پژوهش حاضر یک دیدگاه تعاملی و تلفیقی از منابع قدرت نرم و مکتب سردار سلیمانی در جهت ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بوده است که اشاره دارد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام و آموزه های احیای آن است، به خاطر همین با قدرت نرم دیگران متفاوت است. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران یعنی مدیریت حب و بغض ها، مدیریت اعتماد، تصرف قلب ها با حب و بغض ها، همدلی و همکاری، اتحاد، اعتماد، نفی سلطه گری، ایمان و باور خدا، اخلاص، شجاعت و ... مبتکی است. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قدرت اختیار است؛ یعنی شما به مخاطب خود اختیار می دهید.

در این میان سردار سلیمانی نقش گسترده ای در تغییر مناسبات حاکم بر جهان در مسائل گوناگون داشت. چونکه سردار نویدبخش سبک زندگی متعالی و خدامحوری بود. آزادی خواهی، استقلال طلبی، یکتاپرستی، ایستادگی در برابر ظلم و قیام علیه ستمگران، مینا قرار دادن انسان و توجه به پیشرفت و تعالی مادی و معنوی همه انسان ها و مهم تر دمیدن روح امید و خودباوری، حرکت به جلو، هدف گرفتن قله های بلند و معرفی یک الگوی زندگی «حیات طیبه» و ... این ها همه در برابر نظام سلطه، نظم های سلطه پرور و مناسبات تحمیل کننده سلطه بوده است. حضور سردار سلیمانی در منطقه بارقه های امید را در منطقه غرب آسیا در مبارزه با استکبار و تروریسم را روشن کرد و این از منبع لایزال قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است.

در واقع سردار سلیمانی با مدیریتی که در بحران های منطقه انجام داد، جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در جبهه قدرت نرم ارتقا بخشید. رویکردهای قاسم سلیمانی در تحولات منطقه ای بر مبنای مفاهیم گفتمان انقلاب اسلامی ایران است که غرب و به ویژه آمریکا را منبع شیطان در جهان دانسته و آن را عمده تهدید علیه امنیت ملی و منافع خود می داند. بر این اساس، خصومت با آمریکا و اسرائیل در مرکز تفکرات عقیدتی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و سلیمانی معتقد است که ایران پیشگام و راهبر مبارزه علیه آمریکا و کشورهای متحد آن است در نتیجه لازم است متحدان این کشور در منطقه، تلاش های آمریکا را برای سلطه بر خاورمیانه و ایران خنثی سازند.

ایران با کمک راهبردهای سردار قاسم سلیمانی موفق شده موقعیت و نفوذش را در منطقه افزون تر کند که حضور در عراق و سوریه و حمایت از حوثی های یمنی از آن جمله است. همچنین حضور مستشاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نبرد سوریه موجب شده قاسم سلیمانی در مرکز توجه قرار گیرد و شبکه های اجتماعی، تصاویر و فیلم های ویدئویی او را، به ویژه در لاذقیه به نمایش گذارند.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی در منطقه دارای سه وجه مکمل است:

- فرهنگ دینی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، پرهیز از طایفه‌گرایی و ایجاد همبستگی میان مردم ایران و مردم منطقه؛
- فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی که به‌عنوان الگویی بومی توانسته به خوبی دین و سیاست را با هم تلفیق کند؛
- استکبارستیزی که بر اساس آن، جمهوری اسلامی ایران به مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر می‌پردازد. این امر برای مردم کشورهای که سال‌ها تحت ظلم استعمار و سلطه داخلی و خارجی بوده‌اند، حائز اهمیت است. در مجموع، نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تهدیدی برای هیچ‌یک از کشورهای منطقه نبوده و نیست و هدف اساسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه حسن هم‌جواری با همسایگان، افزایش ثبات و امنیت در منطقه، توسعه اقتصادی برای همگان، مبارزه با تروریسم، ایجاد صلحی فراگیر، محو جنگ طلبی و آثار مخرب آن است. به همین دلیل هم بهره‌مندی از قدرت و نفوذ نرم به یکی از دلایل موفقیت ایران در بحران‌های منطقه‌ای در غرب آسیا مبدل شده است.

منابع

- ۱- آلموند، گابریل و دیگران (۱۳۷۷). چارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۲- باقری، سیامک (۱۳۸۶). «تأثیر دانش‌های استراتژیک بر موقعیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حصون، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، شماره ۱۱.
- ۳- باقری، سیامک (۱۳۸۹). بسیج و قدرت نرم؛ رویکردی سیستمیک، تهران: دانشگاه امام صادق (ع). دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).
- ۴- بهمن، شعیب (۱۳۹۶)، «نقش نیروی قدس در حل بحران‌های غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۹.
- ۵- بهمن، شعیب (۱۳۹۶)، فرصت بحران؛ شکل‌گیری قدرت ایران در سنگلاخ‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۶- بیانات مقام معظم رهبری، «خطبه‌های نماز جمعه»، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷.
- ۷- پورحسن، ناصر (۱۳۸۶)، شناخت راهبرد جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا. معاونت سیاسی.
- ۸- زارعی، سعدالله (۱۳۹۸)، «کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۳.
- ۹- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری تمدن اسلامی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- ۱۰- سلیمانی پورلک، فاطمه، (۱۳۸۶)، «نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه ای آمریکا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۱۵.
- ۱۱- شمس، اسماعیل و یزدانی، (۱۳۸۴)، «بررسی مفهوم ایران زمین و نقش آن در علت وجودی دولت-ملت ایران»، فصلنامه مدرس، شماره ۳۸.
- ۱۲- عسگری، محمد (۱۳۸۴)، «مقدمه‌ای بر فرهنگ استراتژیک»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم.
- ۱۳- عسگری، محمود (۱۳۸۹)، «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی.
- ۱۴- غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی سازمان

- یافته به عنوان مکانیسمی برای توسعه در ایران، پایان نامه دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۵- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۸)، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قومس.
- ۱۶- کرامتی، مرتضی (۱۳۹۸)، سربازان سردار: شجاعت ها و رشادت های سردار حاج قاسم سلیمانی و شهدای مدافع حرم، قم: نشر سه نقطه، چاپ دوم.
- ۱۷- مورگنتا، هانس. جی، (۱۳۸۴)، سیاست میان ملت، ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۸- نای، جوزف، (۱۳۸۲)، قدرت نرم. مدیریت منازعه در عصر اطلاعات، ترجمه حسین هادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، گزارش پژوهشی، شماره ۵۲.
- ۱۹- نای، جوزف، (۱۳۸۳)، «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سید رضا میر طاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ششم.
- ۲۰- نای، جوزف، (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ۲۱- نائینی، علی محمد، (۱۳۸۵)، «امنیت فرهنگی؛ نظریه ها و رویکردها»، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱۴.
- ۲۲- هالستی، کی. جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزار امور خارجه.

1. Bazzi, Mohamad , (2016) , “Commentary: With Washington looking the other way, Iran fills a void in Iraq”, Reuters, 2 June,
2. Salloum , Raniah ,(2014),» Iran schickt seinen gefährlichsten General», Spiegel, 15 September,
3. Nye, Joseph (2004), Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Carnegie Council of Ethics and International Affair.
4. Nye, joseph (1990), “The Changing Nature of Power”, Political Science Review Quarterly, Vol. 105, No.4.
5. Nye, joseph (2002-03), “Limites of American Power”, Political Science Quarterly, Vol.117, No 4.
6. Nye, joseph (2009), “Get Smart, Combining hard and soft power”, Foreign Affairs, July-August, Vol.88, No. 4,